

خبرایات

راوی مرثیه‌خوان سرزمین مادری ام



جواد طوسی

● فرصتی پیش آمد تا نمایش‌نامه «فصل شکار بادبادک‌ها» به کارگردانی جلال تهرانی را در سالن اصلی تئاتر شهر در روزهای آخر اجرایش ببینم. از آنجا که جلال تهرانی را آدمی با دغدغه‌های دلسوزانه فرهنگی می‌دانم (همین باتوقی که با عنوان «مکتب تهران» در خیابان آبان جنوبی راه انداخته یک نمونه مثال‌زدنی‌اش است)، ترجیح دادم این یادداشت دیرنکام را درباره کار اخیرش بنویسم.با همین دوکاری که از جلال تهرانی دیده‌ام (سیندرلا و فصل پرواز بادبادک‌ها؛ دودلکف‌ونصفی را ندیده‌ام)، کم‌وبیش به علایق و سبک و شیوه کارش پی برده‌ام. او در عین وفاداری به مفهوم و ذات تئاتر، می‌خواهد در اجرا و روایت به قالب و بیانی نو و متفاوت دست یابد. آنچه برای تهرانی بیش از همه چیز اهمیت دارد، «فرم» است. ولی اگر بپذیریم که فرم در کلیت و جز،به‌جز، یک اثر هنری و نمایشی باید حضور مناسب و منطقی داشته باشد، بهتر می‌توانیم به نقاط قوت و ضعف «فصل شکار بادبادک‌ها» (در مقایسه با سیندرلا) بپردازیم.کل متن «فصل شکار بادبادک‌ها» را یک تک‌گویی طولانی تشکیل می‌دهد. طبیعتا برای بازیگری چون بهنوش طباطبایی اجرای چنین نقشی که در طول ۷۵ دقیقه باید به‌عنوان راوی حرف بزند و موقعیت‌های نمایشی و شیوه‌های بیانی متفاوتی داشته باشد، سخت و طاقت‌فرسااست. او در جاهایی موفق عمل کرده و در بعضی قسمت‌ها نتوانسته آن‌گونه که باید حس موردنظر در گفتار را القا کند. تهرانی با اتکا به این راوی غیرمتعارف خود ووام‌گرفتن از بیانی آمیخته با واقع‌گرایی و سوررئال، می‌خواهد به یک تبارشناسی تاریخی معاصر بپردازد و از فودالیزم عبور کند و به «تمدن بزرگ» وعده‌داده‌شده یوزخند بزند و در موقعیت تاریخی جنگ در این دوران قرار گیرد و نگاه بدبینانه (و بهتر بگویم واقع‌بینانه‌اش) را متوجه ضایعات جنگی و انسانی ناشی از آن کند. درعین‌حال او براساس نگاه و دغدغه‌های روشنگرانه‌اش نمی‌خواهد آدمی محصورشده در نوستالژی باشد. چنان‌که راوی در کنار اشاره به کودکانه‌ها و بادبادک‌هاوگردن و تیه‌بازی، به جایی می‌گوید: «اگره گدشته خوب بوده مفت جنگم، اگه بد بوده به درک».در وجه رئالیستی این روایت، با زنی خودکمدکرده روبهره هستیم که بچهمحل قدیمی و سنتنی و عشق لاشن به نام موسی عاشق و شیدایش می‌شود، ولی وصلتی صورت نمی‌گیرد تا عاشق ناکام به جبهه می‌رود و شهید می‌شود. تهرانی در امتداد این نقل عاشقنی و هجرانی، به جامعه در حال گذار معاصر و وجوه ملتب و خاکستری‌اش با کلامی کنایه‌آمیز اشاره دارد. اما موتیف و ترجیع‌بند نمایش‌نامه «فصل شکار بادبادک‌ها» لحنی چندوجهی دارد که آمیزه‌ای از «ابزورد» و اراده‌ای نیجه‌ای (با اجرانی نمایشی و– تعددا– غلواًمین است. آیا این راوی غریب که با همه عشق و استیصال و عصیان و آشفته‌حالی‌اش می‌خواهد از راه‌های سرزمین خود بگوید و تکیه‌کلامش «من قوی و بارآده‌ام، من مهم و بالغم» است، تصویری دفرمه و پراسایه و روشن از «مام میهن» نیست؟ در اینس کلژتأویل‌گونه و تلخ، تقدیرگرایی تا آنجا مجاز است که «همه راه‌ها به رم ختم شود». جلال تهرانی محدودیت نمایشی کارش با یک بازیگر و مونولوگ طولانی، که البته نمی‌تواند برای هر بیننده‌ای جذاب و شنیدنی باشد، را خواسته با یک گروه سه‌نفره مشکل از نوازندگان کیتار، ویولنسل و دودک جبران کند. به‌هرحال در مقایسه با جاذبه‌های نمایشی و تعدد بازیگران و تعادل فرم «در سیندرلا» کار اخیر او یک تجربه موفق رو به جلو به شمار نمی‌آید. در نگاهی حرفه‌ای به موقعیت تئاتر در جامعه ما و ارزایی و آسیب‌شناسی مخاطب منغل و خلع‌سلاح‌شده و ذوق‌زده این زمانه، که نیاز مبرم به جهت‌دهی درست دارد، باید دید که اساسا این حجم مونولوگ و اتکای بیش از حد به کلام (آن هم با این لحن ترکیبی) منطقی‌پذیر است؟ البته واقع‌بینانه باید گفت که جلال تهرانی از این حیث نسبت به همکار خلفش در این وادی (محمد چرمشیر) موفق‌تر عمل کرده است.

پیشنهاد روز

آتسامیل آدیوس، پیاترولامی نوازد

● آتسامیل آدیوس ۲۸ شهریور ساعت ۲۱:۳۰ در فرهنگسرای نیاوران روی صحنه می‌رود. آتسامیل آدیوس در پاییز سال ۱۳۹۳ فعالیت خود را آغاز کرد. در خرداد امسال با حضور دو نفر از نوازندگان جز اروپا، انزو فاواتا و مارچلو پگینی در تهران به اجرا درآمد. آثار اجراشده در این پروژه مورد توجه یکی از ناشران موسیقی کشور آلمان قرار گرفت و در این راستا آتسامیل آدیوس تصمیم دارد که آثار اجرایی در این پروژه را در پاییز ۹۵ در کشور سوئیس با همکاری ناشر آلمانی ضبط و منتشر کند. از اتفاقات دیگر در کنار فعالیت‌های این گروه نیز می‌توان به دعوت فستیوال تانگو شهر رم و فستیوال موسیقی جز Musica Sulle Bocche، از آتسامیل آدیوس برای شرکت در این جشنواره‌ها اشاره کرد. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت ایران‌کسرت مراجعه کنند.

وحد جلیلود، کارگردان «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»

وحید جلیلود، کارگردان «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»

سینماگران ایرانی در ونیز مورد توجه هستند

عسل عباسیان



وحید جلیلود، واسیر آقایی روی فرش قرمز جشنواره ونیز

می‌گویند خیلی بی‌معرفتی، تصورم از خودم این است که من بی‌معرفت نیستم و بی‌معرفتی در ترجمه دوستان به بی‌انصافی تعبیر شده. بعد هم گفتم تلخم، اما این تلخی از کجا می‌آید؟ طبیعتا یک بخشی از آن مربوط به زندگی شخصی است و مربوط به شیوه زندگی من است، بخشی از آن هم به خاطر شرایط جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنم. نمی‌توان در جامعه‌ای با انواع و اقسام مشکلات زندگی کرد و تلخ نبود. البته من این نکته را به رسانه‌های خارجی نگفتم و دلم نمی‌خواست چرایی این تلخی را به آنها اذعان کنم. اما به رسانه‌های در کشور خودم می‌گویم بخشی از این تلخی هنرمندان و سینماگران، حاصل جامعه آنهاست. هنرمند نمی‌تواند

تلخی ببیند و بعد از آن راحت بگذرد و تلخ نباشد. **▲ تجلی این تلخی در فیلم شما کجاست؟** هیچ مؤلفی قصد ندارد تلخ باشد. این اتفاق خودش می‌افتد و برآیند درونی آن چیزی است که به آن فکر می‌کند و چیزی که اطرافش می‌بیند به‌طور ناخودگاه در اثرش منعکس می‌شود. من از این قاعده مستثنا نیستم. در فیلم من تجلی این تلخی، نگاه کاراکترهاست. نگاه همه کاراکترهای فیلم نگاه تلخی است. جلال، کاراکتر محجور من، به‌شدت نگاه تلخی دارد و این مهم‌ترین ظهور این تلخی است.

▲ شما در همان مصاحبه از فیلم‌سازان محبوبتان حرف زدید. مسیر شما چطور طی شد که پس از

وحید جلیلود، کارگردان «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»

وحید جلیلود، کارگردان «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»

پشت‌سرگذاشتن تجربه گویندگی و کارگردانی مستند و... رسیدید به ساخت «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» و یک‌گام جدی در سینما برداشتید؟

مسلم‌ا از ابتدا هدف اصلی‌ام سینما بوده. در ایران، همیشه اتفاقی که باید برای یک هنرمند بیفتد، دیر می‌افتد. سال‌ها مستندسازی کردم، کارگردانی تلویزیونی کردم، ولی مدام در پی همین نقطه بودم. آنجا، در آن مصاحبه از کارگردان محبوب پرسیدند، من پرسیدم کارگردان محبوبم در آمریکا یا در کل دنیا؟ گفتند هردو را بگو، من هم گفتم در آمریکا کارگردان محبوبم ران هاوارد است. به این دلیل که حس می‌کنم او ارتباط درستی بین ذهن و قلب برقرار می‌کند و درکل کارگردان محبوبم ایناریتو است البته فیلم «مرد پرنده‌ای» را دوست ندارم اما باقی فیلم‌هایش را دوست دارم چون خیلی خوب درد را لمس و آن را منتقل می‌کند. درمجموع، سینمایی که دوست دارم، سینمای راست‌گوست که مغزش بر قلبش و قلبش بر مغزش نچرید و لینک متناسبی بین قلب و ذهن بزند.

▲ ادامه مسرتان را چطور می‌بینید؟ پروژه بعدی‌تان چیست؟

درحال‌حاضر با علی زرنگار که فیلم‌نامه «چهارشنبه» هستیم و امیدوارم نکته‌ها و دقایقی را از اکران‌های بین‌المللی در نظر داشته باشم. ولی از آنها تأثیر نگیرم. به نظم مهم‌ترین کاری که یک سینماگر باید بکند این است که نابودن خودش را از دست ندهد. امیدوارم با این تأثیر به ایران برگردم. فیلم‌نامه تازه‌ام باز هم در فضای اجتماعی است و دغدغه‌های مشابهی با «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» دارد ولی شاید از منظری تلخ‌تر روایت کند.

▲ در ونیز، جدا از واکنش‌هایی که به فیلم خود

شما داشتند، اهالی جشنواره چه واکنشی نسبت به

سینمای ایران و سینماگر ایرانی نشان‌دادند؟

آن چیزی که در سینمای ایران برای خارجی‌ها جذاب به نظر می‌رسد، روابط عاطفی و روابط انسانی‌ای است که بین آدم‌هاست و این را با دهان باز نگاه می‌کنند. حرفم این‌طور برداشت نشود که در غرب انسانیت جاری نیست و آنها در سینمای ما دنبالش هستند! اما آن چیزی که سینمای ایران را مورد توجه آنها می‌کند، شکل روابط انسانی عمیق است که بین آدم‌ها در جریان است. سینماگران ایرانی در ونیز موردتوجه اند و طبیعتا عباس کیارستمی و اصغر فرهادی را خیلی دوست دارند. خانم بنی‌اعتماد را هم خیلی خیلی دوست دارند و از ایشان، آقای کیارستمی و آقای فرهادی به‌عنوان بزرگان سینمای ما یاد می‌کنند.

امیر آقایی از جشنواره ونیز:

رقبای جدی داشتیم



بهناز شیربانی: عوامل فیلم سینمایی «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»، هنوز به ایران بازنگشته‌اند. آنها در چند روز گذشته میهمان ایتالیایی‌ها بودند و توانستند در هفتادودومین جشنواره فیلم ونیز جایزه منتقدان را دریافت کنند. امیر آقایی، نیز یکی از بازیگران فیلم بود که در آخرین روز اقامتش در ونیز، طی تماس تلفنی با او، درباره حال‌وهای جشنواره و استقبال از فیلم پرسیدیم. حال خوب او از این موفقیت و تشویق ۱۰دقیقه‌ای مردم در سالن سینما از پشت تلفن هم گویا بود. آقایی با انرژی و حرارت از سانس‌هایی که با مردم فیلم را تماشا کرده بود، حرف زد. از نظرات مثبت منتقدان و عکس‌العمل آنها نسبت به فیلم

▲ در این مدت فیلم‌های دیگر جشنواره ونیز را هم دیدید؟ به‌هرحال این جشنواره جز، پنج جشنواره معتبر دنیااست و جشنواره‌های هنری است. فیلم‌هایی که در این جشنواره شرکت می‌کنند دارای یک ویژگی مشترک هستند و آن پرداختن به موضوع انسانیت است. فیلم «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» نیز فیلمی در رنای انسانیت است. اینکه مردم در یکی از سانس‌های فیلم ۱۰ دقیقه سریا فیلم را تشویق کردند برای ما اتفاق ویژه‌ای بود و از این استقبال خوشحالم. تمامی فیلم‌های حاضر در این جشنواره هم رقبایی جدی بودند و کیفیت‌های بسیار خوبی داشتند و تمامی فیلم‌های حاضر در این جشنواره از غربال‌های بسیار جدی‌ای عبور کردند.

▲ به‌تازگی با پروژه خاصی برای بازی صحبت کرده‌اید؟

بله، به محض بازگشت از سفر مقابل دوربین «عالیجناب»، به کارگردانی سام قربیان، خواهم رفت و تعدادی فیلم هم در نوبت اکران دارم که فکر می‌کنم در نیمه دوم سال نمایش داده خواهد شد. فیلم‌های «۳۶۰ درجه»، «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»، «شیفت شب» و«کوچه بی‌نام» فیلم‌هایی‌اند که در نوبت اکران قرار دارند.

هفت جهان

«ناهید» به مقدونیه می‌رود



● **شرق:** «ناهید»، نخستین اثر سینمایی آیدا پناهنده پس از حضور در کسب‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم کن و کسب جایزه «آینده درخشان» در بخش نوعی نگاه، در مسابقه رسمی سی‌وششمین دوره جشنواره Manaki Brothers در کشور مقدونیه شرکت می‌کند.

جشنواره Manaki Brothers قدیمی‌ترین جشنواره تخصصی در زمینه هنر فیلم‌برداری است. مرتضی قیدی، فیلم‌پرداز «ناهید»، یکی از جوان‌ترین مدیران فیلم‌برداری حاضر در جشنواره است که برای رقابت و کسب جایزه Camera ۳۰۰ (دوربین طلایی) در این جشنواره شرکت می‌کند.

۱۳ فیلم در بخش مسابقه هستند که در میان آنها نام‌هایی دیده می‌شود که فیلم‌برداری آثار مطرح جشنواره‌های کن، ونیز و برلین را برعهده داشته‌اند.

راجر دیکنز، نامزد دوازده جایزه اسکار با فیلم قاتل حرفه‌ای، لی پینک بینک، فیلم‌بردار «در حال و هوای عاشقی» و وونگ کار وای با فیلم «آدمکش» که برنده نخل طلای بهترین کارگردانی از فستیوال فیلم کن شد در این جشنواره رقابت می‌کنند. از دیگر فیلم‌های حاضر در بخش مسابقه می‌توان به «پسر ساتول» برنده جایزه بزرگ کن ۲۰۱۵ و «مکتب» اشاره کرد. امسال ریشارد لنجوفسکی، برنده جایزه اسکار با فیلم «آی‌دا»، از اعضای هیأت‌داوران است.

جشنواره فیلم ماناکا، در بخشی که به معرفی فیلم‌برداران بخش مسابقه پرداخته، از مرتضی قیدی به‌عنوان فیلم‌برداری از جوان‌ترین نسل فیلم‌برداران ایرانی یاد کرده که با اولین فیلم سینمایی خود در این جشنواره حضور دارد. جشنواره فیلم ماناکا ای ۱۸ تا ۲۸ سپتامبر در کشور مقدونیه برگزار خواهد شد.

ادامه از صفحه ۹

آن‌موقع هم

ازبوی باروت خوشم می‌آمد

▲ گروه بازیگران در کل و قدراًه امروز تغییر کرده‌اند؟

بله تقریبا همه تغییر کرده‌اند. من و سیاوش (چراغی پور) همان نقش قبلی‌مان هست و نقی (سیف جمالی) که البته نقشش تغییر کرده است، دو نفر از همراهانمان را هم از دست داده‌ایم؛ مرحوم مسجدجامعی و کاشانی.

▲ «مفتش» چه قصه‌ای داشت که جلویش را گرفتند؟

در زمان اجرای مفتش بود که در جشنواره فجر یک شب برق تئاترشهر را گرفتند و در کل جشنواره برای همان شب تعطیل شد.

▲ دنیای دیوانه چه قصه‌ای داشت؟

قصیه‌اش این بود که می‌خواستم یادی از شاهین سربکسیان بکنم.

▲ فیروزه؟

پنج شش سال پیش اجرا کردم. چند تا اییزود دارد. ۵ تا. در اجرای سابق مفتش از بیضایی و هدایت داشتم و در فیروزه نداشتم علتش هم همین بود که مفتش را قطع کرده بود.

▲ یعنی نسبت به این قصه‌ها و شخصیت‌ها در مفتش حساسیت داشتند؟

نه به کلش حساسیت داشتند. می‌دانی که سلیقه است. وقتی روی پیشانی‌ات داس و چکش را داغ زده‌اند دیگر برایشان فرق نمی‌کند. اینها رحم نمی‌کنند و این داغ‌زدگی به صورت تاریخی ادامه دارد و این دردناک است. دیگر زمانه تغییر کرده و نه جنبش چپ آن‌چنانی‌ای هست و ...

▲ مفتش؟

در مفتش مرگ یا عزاریل می‌آید سراغ نویسنده‌ای که بکشدش، مخالفت می‌کند، عزاریل می‌گوید نظم جهانی و خداوند مرا مجبور کرده‌اند که ببایم جانت را بگیرم. نویسنده می‌گوید اشتباه است چون کارهایم را تمام نکرده‌ام. می‌گوید فتوحات چیست و چه کارهای عاشقانه‌ای را نوشته‌ای. این قصه می‌آید.

▲ خون و کل سرخ دو سال پیش در حافظ اجرا شد؟

من معتقدم در هریک از ما یک سلاح هست؛ چه آنکه سلاحی می‌کند و چه آنکه سلاحی را تحمل می‌کند. این نمایش نگاهی است به این پدیده.

▲ خیر و شری که به واسطه نوع جغرافیا و فرهنگ و زندگی‌مان تشدیدشده‌اش در ما نمود یافته؟ بله.